نم ایه اسلام الاجنبی حج زمنیت و قول آنانرا که از عابری سبیل ساقوان میخواهند تایید میکند انگه حق سبحانه تعقیب کرد این کلام را بحکم تیمم
ومرخص به تیمم یا محدث باشد یا جنب و حالی که مقتضی تیمم است غالبا یا مرضست یا سفر پس از ذکر جنب بیان حال محدث میکند و تفصیل
احوال محدث معنیست از تفصیل احوال جنب پس میفرماید فَإِن كُنتُم مَّرْضَىٰ واگر باشید شما در وقت جنابت بیماران مراد بیماریست که
دران استعمال آب ترسند ابن عباس رض فرموده که مراد ازین مرضی سه طایفه اند اول مجدور و آن کسی باشد که مرات جدری ظاهر کرد
ابوجابر رحمه الله نقل میکند که در عهد حضرت پیغمبر صلعم شخصی جدری بود و برا جنابت رسید و چون غسلش دادند بمرد حضرت فرمود قتلوه قاتلهم الله
اورا تیمم نداد دوم مجذوم و جذام علتیست که آن را داء الاسد گویند و معدی و متوارث میباشد سیم مقروح یعنی اگر بر موضع طهارت
جراحتی دارد و با ایصال آب بدان عضو وجع زیاده میشود یا خود عضو مجروح عرضه تلف میگردد یا اگر بواسطه جراحت غسل کردن
و بعضی تفاسیر آورده که عبدالرحمن عوف را جراحتی رسیده و او برای جراحت بمشقت غسل میتوانست کرد این آیه برای رخصت وی
فرود آمد و اگر بعضی از اعضای طهارت صحیح باشد و بعضی جریح بقول شافعی صحیح را باید شست و برای جریح تیمم باید کرد و نزد امام اعظم حکم کل میدهد
و میان تیمم و غسل جمع نمی کند و گفته اند مراد بیمارانی اند که قدرت بر استعمال آن نداشته باشند از بسیاری ضعف و کسی نبود که ایشان را
یاری دهد أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ یا باشید شما در سفر خواه سفر طویل خواه قصیر أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ یا بیاید یکی از شما از جلا جای
شده باشد بخروج خارج از احد السبیلین غایط در لغت زمین نرم را گویند و عادت عرب آن بوده که در وقت قضای حاجت بجهات نرم
و حالا این لفظ مستعمل شده در خلا جای و کنایی از غایط کنایتست از وقوع حدثی که طهارت ازان لازم باشد بجهت ادای نماز أَوْ لَامَسْتُمُ
النِّسَاءَ یا بسوده باشید زنان را ای عزیز بباید دانست که فقها را در باب این که موجب وضو و ناقض طهارت باشد اختلافست جمعی برین رفته اند
که چون برخی از بدن مرد ملاصق بدن زن شود و حایلی در میان نبود وضو لامس و ملموس هر دو منتقض میشود و شافعی برین رفته اما استثنا
میکند محارم و خنثی صغیره را ازین حکم یعنی اگر مردی مس زنی کند از محارم چون ام و بنت و اخت یا خود سالی از غیر محارم که مشتهات نباشد
ناقض نیست زیرا که ایشان محل شهوت نمیدانند بود و این بعینه چنانست که مردی مردی را مس کند و اوزاعی میگوید که اگر لمس بدست
باشد ناقض است و الا و مباشرت فاحشه تماس فرجین است بی حایلی فلا و مالک بر آنست که لمس بشهوت وضو میشکند و بغیر شهوت
نزد امام اعظم گفته که مباشرت فاحشه ناقض وضوست و مباشرت تماس فرجین است بی حایلی و انتشار آلت چه این نوع از مباشرت سبب
خروج مذی میباشد غالبا پس سبب را قایم مقام مسبب میدارد احتیاطا و ابویوسف با وی درین مسئله متفق است و ثوری
میگوید مطلق لمس زن ناقض وضو نیست و لمس اینجا کنایت میدارد از مجامعت و امام محمد درین مسئله با وی موافقست و بمذهب آنان
که لمس را ناقض میدانند در انتقاض وضوی ملموس خلافست جمعی بر آنند که آن نیز منتقض میشود بجهت آنکه هر دو در التذاذ مشترکند و این بعینه
مانند وجوب غسلست هر دو را در جماع و قولی آنست که ناقض وضوی ملموس نیست و ایشان مقصد را اعتبار میکنند و در آنکه مردی با زن
کند نیز خود را اختلاف کرده اند شافعی و حنبل بر آنند که ناقض است اما شافعی میگوید که این لمس بطن کف و بطون اصابع
حنبل این قید نیست و بر هر تقدیر چون جنابت رسیده شما را یا بیمار باشید بر وجهی که آب بکار نتوانید برد یا لمس کرده باشید

لمس کرده

لمسی که موجب توضی باشد فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً پس نیابید شما آب را فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا پس تصد کنید خاک پاک را ای عزیز بدانکه
تیمم از خصایص این امت عالی همت است و در معالم نقل میکند که حضرت رسالت صلعم فرمود که ما را فضیلت داد بر مردمان بسه چیز یکی آنکه صفوف
ما را یعنی در نماز جماعت مانند صفوف ملایکه گردانیدند دوم آنکه تمام روی زمین را مسجد ما ساختند سیم خاک را برای ما حکم آب دادند
وقت بی آبی خاک تر و بمنزله آب صافی باشد بیت تا خاک حکم آب گرفت از برای تو بر خاک می نهند همه روی خویش
غدایر آبی و ست خاک حسن را ز روی خویش و حکم تیمم در یکی از غزوات بوده و آن غزوه بنی المصطلق است در اسباب نزول از
عمار یاسر نقل میکند که در سفری از اسفار که روزگار ما که در ملازمت سید الوری معروف بوده سینه ما از لوایح ریاحین کلمات
رشک گلشن بوده و چشم ما بجمال کمالش که غیرت ماه و مهر و چراغ فروز روشنان سپهر عبارت از انست بغایت روشن بیت بقیات
کرم از حاصل دنیا پرستند گویم آن روز که در خدمت ایشان بودم قضا را شبانگاه منزل سپاه در بیابانی اتفاق افتاد چون آن بیابان
تو نیاز آن بیکران و مانند شبهای عاشقان بی پایان چشمهای او در خشکی مشابه چاه زنخدان بود و چاههای او در بی آبی مماثل چشمهای آن
بیت غریب بادیه آتشین که چشمه او چو چشم سخت دلان بود تیره و بی آب نه در هوایش گذر کرده قطره زنسیم نه بر زمین
وی افتاده قطره زسحاب هنوز بشیر صبح روی ننموده و پیک دل فروز از پرده شب تیره روی ظهور ننموده بود حضرت را
داعیه رحلت پدید آمد و بواسطه عقد عایشه که گم شده بود بعد از طلب بسیار بدست نیامده عزیمت بتاخیر در توقف افتاد چون ذهاب نور کوکب
از چشمه خورشید آثار انفجار نمود و مقدمه لشکر ضیا از حوالی دریای سپهر ظهور فرمود بیت برق لعل گون درخشان شد آسمان
بر زمین زر افشان شد وقت ادای نماز در آمد و در دیده مردم چون مردم دیده سخت دلان از آب نشانی نیافت شکایت آن
حکایت بنزدیک صدیق بردند و بواسطه عقد عایشه که عقده جان در کار افکنده بود اظهار تأسف بر فوت نماز کردند ابوبکر بخیمه حضرت رسالت
در آمد و آنحضرت سر در کنار عایشه نهاده در خواب بود و صدیق بطعن عایشه مشغول گشته طعنه از سر انگشتان بر تهی گاه او زد چنانچه
عایشه از الم به بیهوشی نزدیک رسید اما ملاحظه خواب سید اولو الالباب نموده قولا و فعلا از وی هیچ صورت در وجود نیامد تا که سید
عالم صلعم بیدار شد و بر مضمون حال و ملال صحابه اطلاع یافته متوجه عالم غیب گشت مقارب توجه آنحضرت جبرئیل در رسید و حکم فتیمموا صعیدا طیبا
رسانید و در دمان رخصت تیمم یافته مستبشر و مسرور و خوشدل و پر حضور شدند اسید بن حضیر که یکی از رؤسای انصار بود با آواز بلند میگفت
ما هی باول برکتکم آورده اند که بعد از ادای نماز چون شتر عایشه را بر انگیختند عقد مطلوب در زیر وی بود همگنان را معلوم شد که فقدان عقد
سبب نزول این حکم میمون بوده و این چه زیبا تخفیفی بل چه مبارک تشریفیست مر این امت را که بوقت عذر تیمم میتوانند کرد و اعذار
تیمم هشت است ۱ نایافت آب مطلقا بعد از طلب باید که اول در رحل خود طلب کند پس از رفقا و از جهات اربعه نیز بجوید و تیمم قبل
از طلب روا نیست و عازم آب باید که مقدار سیصد ذرع یا چهار صد ذرع بر حوالی خود طلب آب کند ۲ عدم قدرت بر وصول بآب
یعنی در حوالی وی آب باشد اما میان وی و آب عدوی باشد که از وی بر هلاک نفس خود ترسد یا سبعی باشد که بیم هیچ وجه از چنگال وی
مستور نبود یا آب در تنگ چاهی باشد و آلت استقاء چون دلو و رسن یافت نشود ۳ بعد از آن مقدار آب که بآن دفع حدث تواند کرد

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com) 1